

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

یک هوادار (ساما-ادامه دهندگان) از گر هگاه تصادم تضادها(افغانستان)

۱۲ جنوری ۲۰۱۲

آقای موسوی سلام.

امید وارم صحت باشید .

در رابطه با نظر شما ، خاصاً خط رسمی یک سازمان در یک مقطع زمانی می خواهم نکاتی را بیفزایم و آن

اینکه :

چیزی که هویت یک سازمان و خط رسمی آن را تشکیل می دهد خط برنامه ئی همان سازمان است که در کنگره آن تصویب شده است، نه خط افراد و یا حتی خط مرکزیت که در یک مقطع زمانی به شکل انحرافی آن عرض اندام می دارد. چون صلاحیت تعیین خط مشی رسمی سازمان و یا حزب را فقط عالیترین مرجع تشکیلاتی که همان کنگره است دارا می باشد. مرکزیت ها مرجع تطبیق این مشی در فاصله زمانی بین دو کنگره هستند و صلاحیت تغییر مشی رسمی را ندارند. مرکزیتی که بتواند این مشی را پیاده کند درست و مطابق خط و مشی رسمی سازمان عمل کرده، هرگاه آنرا تطبیق نکرده باشد ناکام است و اگر خلاف آن را فیصله و عمل کرده باشد از خط رسمی سازمان عدول کرده و منحرف شمرده می شود و در کنگره از آن بازخواست صورت می گیرد.

بارها در جنبش ها اتفاق افتاده است که خط مرکزیت و یا رهبری یک سازمان در جریان عمل به تداوم خط مشی اصلی همان سازمان و یا حزب ، وجبهه قرار ندارد. بلکه انحراف از آن بوده است . یا حتی در ضدیت با خط هویتی، ماهیتی، مضمونی آن سازمان به وجود آمده است. مثال های تاریخی آن را می توان در رهبری احزاب مختلف دید که بین دو کنگره اعمال می شده است. در کنگره ها و مراجع ذیصلاح احزاب و سازمانها است که هرگاه آن خط انحرافی تأیید شد سازمان و یا حزب مسیر اولیه اش را رسماً رها کرده و به سمت دیگری رفته است؛ ولی اگر کنگره یا کنفرانس عالی سازمان و یا حزب بر آن انحراف صحه نگذاشت و آن را انتقاد و طرد کرد دیگر آن سازمان و یا حزب به اشتباهات و یا خیانت مرکزیت و یا... ملوث نشده و هیچ کس سازمان و یا حزب را به آن انحراف یا اشتباه نمی آلاید. انحراف و یا گناه و یا خیانت فقط به مجریان آن به عنوان عدول کنندگان از خط رسمی سازمان نسبت داده می شود و هرگز نه به صفوف، کادرها و رهبران صادقی که بر خلاف آن انحراف ... مبارزه کرده و هیچ گاه آن آلودگی به دامن پاک شان نچسبیده است. این واقعیات رامی توان در تمام جنبش های جهانی دید. در مورد "ساما" نیز چنین است، خط رسمی "ساما" که معرف هویت "ساما" است همان خط برنامه است. جلسات عالی سازمان مثل کنفرانس سرتاسری به انحرافات تسلیم طلبانه و لیبرالی به عنوان انحراف از مشی رسمی سازمان

با تکیه بر برنامه برخورد کرده و هردوی آن را طرد کرد و به مجریانش هم جزای مناسب داد. کنگره دوم سازمان با تأیید برنامه، اعلام مواضع را رد کرد و "کنفرانس احیاء و تداوم ساما" نیز قاطعانه در دفاع از برنامه به رد تئوری های مرکزیت غیرقانونی پرداخته و آن را محکوم و طرد کرد و سازمان را نه با انشعاب بلکه با طرد منحرفین از ورطه انحراف مرکزیت غیر قانونی بدر آورد و در ادامه مشی رسمی اش (برنامه) به جولان آورد.

این از جمله بدیهیات است که تا زمانی که مبارزه هست تقابل خطها نیز در درون احزاب و سازمانهای مبارز وجود دارد. افراد منفرد می توانند از این تلاطم در امان باشند و در کار شخصی شان مداخلتی صورت نگیرد. ولی آنها هم نمی توانند از تحولات فکری متناسب با زمان به نسبت پذیرش تحول در امان باشند. "ساما" در متن حوادث رنگارنگ و بغرنج و در جامعه پراز تضاد درگیر مبارزه است. آنچنان که اومیخواهد بر جامعه اثر بگذارد، جامعه مملو از تضاد و خط و انحراف و... هم خواسته و ناخواسته بر او اثر می گذارد. "ساما" به عنوان یک موجود زنده و دخیل در جامعه از خوبیها می آموزد و خود را با پذیرش آن تکامل می دهد و زشتیها و انحرافات بر او اثر بد و انحرافی می گذارند. بپذیرش این اصل، سامائی که اولین شلیک را علیه متجاوزین به کشورش نموده و با بانگ رسا گفته است "بریده باد زبانی که در برابر تجاوز امپریالیسم خاموش بماند" و این گفته را پیشاپیش همگان در شلیک تفنگ رزمندگان در سرتاسر کشور به اثبات رسانده و هنوز هم به همت ادامه دهندگان راه پویندگانش در همان راه استوارانه روان است، هرگز حق نداریم آنرا "سازمان انقیاد طلب ساما" بنامیم، این گناه بزرگی است و هیچ فیلسوف و جامعه شناسی نمی تواند آنرا توجیه کند. "ساما" از کلمه منفور انقیاد طلبی که در تقابل آن دریای خون اعضایش جاریست عمیق ترین نفرت را دارد و هرگز چنین صفت ناروایی زیبنده اش نیست. "ساما" به منحرفینش که در این گودال غلتیده اند شدید ترین بر خورد تئوریک و عملی را کرده است. چرا باید چنین چهره منحوسی از آن ترسیم کرد و به خورد خواننده نا آگاه به عمق قضایا داد؟

تاجائیکه من سر خورده ام "سامائی ها" از نوشته آقای موسوی در داخل کشور به شدت ناراحت هستند و چنین بر خوردی را از ایشان و از پورتال که به حیث دوستان خوب برایشان احترام دارند، انتظار نداشتند. مراجع ذیصلاح "ساما- ادامه دهندگان" هم با آنکه جداً با این برخورد آقای موسوی و پورتال مخالف هستند، ولی با گرفتاری های مبارزاتی شان در جبهات مختلف که اثراتش هویداست نمی خواهند و نباید درگیر بحث هائی شوند که بیشتر عادت دوستانی است که در غرب زندگی می کنند. من هم امید وارم توانسته باشم در همین مختصر "خط رسمی ساما" را که شهید مجید به عنوان شدید ترین ضدیت با انقیاد طلبی در آزادیخواهانه ترین شعار "یا مرگ یا آزادی" بیان کرده، روشن نموده و رفع شبهه کرده باشم، این اولین و آخرین نوشته ام در این بحث نا بجا است، و از گردانندگان پورتال تقاضا می کنیم ما را به جدلی که نمی خواهیم نکشانند.